

اخبار نمایش

باموضوع شناخت او و تأثیر پست مدرنیسم بر نمایشنامه هایش

انتشار دو مجموعه

درباره «سام شپارد»



کتاب «شناخت سام شپارد» نوشتهٔ جیمز آ. کرنک با ترجمه‌مسلم آئینی از سوی نشر ویهان روانه بازار کتاب شده است. چاپ اول کتاب «شناخت سام شپارد» در ۱۸۴ صفحه وزیری و در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه به تازگی در دسترس علاقه‌مندان به ادبیات نمایشی قرار گرفته است.

کتاب حاضر، یکی از مهم‌ترین منابع برای تحلیل و بررسی آثار نمایشی این نمایشنامه‌نویس برجسته معاصر است. نویسنده در این مجموعه با قلمی شیوا و درکی جامع به تحلیل و ارزیابی نمایشنامه‌های شپارد پرداخته است و موتیف‌ها و درون‌مایه‌های اصلی آثار او را از نگاه تیزبین خویش گذرانده تا مخاطب درک بهتر و درست‌تری را از آثار او داشته باشد. مسلم آئینی مترجم کتاب «شناخت سام شپارد» پیش از این نیز طی اثری تألیفی به این نویسنده سرشناس آمریکایی پرداخته بود. کتاب «تأثیر پست مدرنیسم در نمایشنامه‌های سام شپارد، مولفه‌های شکلی و معنایی پست مدرنیسم در نمایشنامه‌های سام شپارد» از این نویسنده و مترجم با توجه به آثار ادبی-نمایشی سام شپارد و دستیابی به مؤلفه‌ها و شیوه‌های نوین و معاصر ادبیات نمایشی آمریکا تدوین شده است. این کتاب با رویکردهای تطبیقی و تحلیلی خود شیوه‌های نوین و بدیع نوشتاری سام شپارد در نمایشنامه‌نویسی را معرفی می‌کند و باعث آشنایی نسبی با آثار نمایشی سام شپارد می‌شود. هدف اصلی این کتاب شناخت و به کارگیری وجوه کاربردی آثار نمایشی سام شپارد و شناخت بیشتر تکنیک‌ها و شیوه‌های نمایشنامه‌نویسی این نویسنده است. کتاب «تأثیر پست مدرنیسم در نمایشنامه‌های سام شپارد، مولفه‌های شکلی و معنایی پست مدرنیسم در نمایشنامه‌های سام شپارد» نیز از سوی نشر فرهوش در ۲۹۶ صفحه در قطع وزیری و در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. گفتنی است؛ هر دو کتاب پادشاه یعنی «شناخت سام شپارد» و «تأثیر پست مدرنیسم در نمایشنامه‌های سام شپارد» در سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نیز به مخاطبین علاقه‌مند عرضه خواهد شد.

■ ■ ■

بازگشایی مجموعه تئاتر شهر از هفته اول فروردین ماه



سه نمایش روی صحنه مجموعه تئاتر شهر در سال جاری تا ۱۴ اسفند ماه ادامه خواهد داشت و این مجموعه مجدداً در سال ۹۸ هفتم فروردین ماه فعالیت خود را آغاز خواهد کرد. در حال حاضر سه نمایش در سه سالن این مجموعه در حال اجرا است و این اجراها هر سه تا ۲۴ اسفند ماه ادامه خواهند داشت و پس از آن تعطیلات این مجموعه نیز آغاز خواهد شد. نمایش‌های «ملاقات»، «ما داریم از این خونه میریم» و «یک هفته راه رفتن در بهشت» سه نمایشی هستند که اجرای‌شان نیز تا ۲۴ اسفند ادامه دارد. مجموعه تئاتر شهر هم‌چون دیگر مکان‌های فرهنگی خود را برای ایام نوروز و تعطیلات عید آماده می‌کند. اما اجرای مجموعه تئاتر شهر در سال ۹۸ هفتم فروردین ماه آغاز می‌شود. نخستین نمایش نیز «ملاقات» پارسا پیروفر است که در ادامه اجرای سال گذشته‌اش در سالن اصلی به‌صحنه می‌رود. هنوز مشخص نیست اجرای این نمایش تا چه تاریخی پس از سال‌آنی ادامه داشته باشد. دیگر سالن‌های مجموعه تئاتر شهر چون چهارسو، سایه‌و قشقای هنوز برنامه‌شان برای اجرا نهایی نشده است.

چاپ: کار و کاگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
toseeirani.ir

در بیان تک نفره او فلپا؛

یک نفر در ده‌ای بی‌شمار

راوا گویم می‌کند. این

مونولوگ مارا در گیر

لحظه‌های فاجعه آمیز

می‌کند. لحظاتی که

گاه در هم می‌ریزند و

می‌شکنند تا همه چیز

چنان نشان داده شود که

عقل و حس هر دو در گیر

شوند

احساساتش و همراهی با خود و می‌دارد. ازومی خواهد اگر دوستش دارد، دستش را بلند کند. اما چون تماشاگر در تاریکی است و دیده نمی‌شود او سر دوراهی می‌ماند که آیا این شادی امیری است که از او واکنش می‌طلبد یا این نیز یک بازی و فریب است و باز یگر منتظر گول خوردن اوست تا ریشخندش کند.

ار تباط تنگاتنگ میز انسن‌ها بانمایش

رضا موسوی با انتخاب نوع لباس بازیگر به‌عنوان طراحی صحنه نمایش خود را در انتخاب میز انسن محدود کرده، اما این محدودیت توجه مخاطب را بر روی واگویم‌های بازیگر متمرکز می‌کند و به گنجه خودش، برای این که تماشاگر از این تک‌گویی خسته نشود موسیقی و نورپردازی را به کار می‌گیرد. موسوی با فضاشکسته می‌شود و مابه‌ساحت واقعی و اصلی نمایش که داستان زندگی اوست پرتاب می‌شویم.

پس یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این نمایش ترکیب بازی‌ها و اجازه ندادن به مخاطب برای غرق شدن در احساسات است. امیری اجازه نمی‌دهد مخاطب با مویه‌های دختر کرد گریه کند یا در غم او فلپا غرق شود. او حتی اجازه تفکر به تماشاگرش نمی‌دهد و او را در سر درگمی احساساتش رها می‌کند. او با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند؛ به عنوان «شادی امیری» مفاهیمی را به آن‌ها منتقل می‌کند اما تماشاگر به فکر می‌رود تا آن‌چه را شنیده هضم کند، او را از غرقاب اندیشه‌اش بیرون می‌کشد و به لحظه‌ای دیگری می‌برد. او همان‌طور که خودش چندین نقش و حس را همزمان روی صحنه‌سازی کرده و از یک نقش وارد دیگری می‌شود، به تماشاگر نیز اجازه ماندن در یک حس را نمی‌دهد و او را هم به حرکت در میان احساساتش وامی‌دارد. شادی امیری، مخاطب را به بروز

دام بلندش که تمام صحنه را پوشانده،

بازخم‌ها و خیال‌هایش پدیدار می‌شود.

شادی امیری در نقش آفرینی یک

دختر کرده خوبی ظاهر شده، دختری

که زمانی با گروه تئاتر کار می‌کرده و حال

تمام گروهش مرده‌اند. او با معشوقی

که نیست حرف می‌زند و برایش او فلپا

را بازی می‌کند. امیری اما به این دو

نقش اکتفا نکرده و گاهی خودش را هم

روی صحنه می‌آورد و نمایش ترکیبی

می‌شود از سه زن در سه دوره مختلف.

این نمایش که در آن یک زن به جای سه

زن بازی می‌کند در واقع یک مونولوگ

است. بیان تک نفره او فلپا؛ یک زن که از

سوی زنان و مردان قربانی فاجعه یک

نسل کشی سخن می‌گوید. یک نفر

که در ده‌ای بی‌شمار را واگویم می‌کند.

این مونولوگ م‌ا را در گیر لحظه‌های

فاجعه آمیز می‌کند. لحظاتی که گاه

در هم می‌ریزند و می‌شکنند تا همه چیز

چنان نشان داده شود که عقل و حس هر

دو در گیر شوند.

شاهزاده انفال در ارتباطی کاملاً

مستقیم با تماشاگر بر اساس شیوه آر تو

(که معتقد بود باید هر فاصله و جدایی

میان صحنه و جایگاه تماشاگران را

برداشت و بار آنان از تباط مستقیم برقرار

کرد تا تماشاگر سحر و افسون شود)،

مشغول توضیح در مورد نقش او فلپا در

نمایش هملت و شیوه‌هایی برای اجرا و

بازی بخش‌هایی از آن است به یک‌باره

فضاشکسته می‌شود و مابه‌ساحت واقعی

و اصلی نمایش که داستان زندگی اوست

پرتاب می‌شویم.

پس یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این

نمایش ترکیب بازی‌ها و اجازه ندادن به

مخاطب برای غرق شدن در احساسات

است. امیری اجازه نمی‌دهد مخاطب با

مویه‌های دختر کرد گریه کند یا در غم

او فلپا غرق شود. او حتی اجازه تفکر به

تماشاگرش نمی‌دهد و او را در سر درگمی

احساساتش رها می‌کند. او با مخاطب

ارتباط برقرار می‌کند؛ به عنوان «شادی

امیری» مفاهیمی را به آن‌ها منتقل

می‌کند اما تماشاگر به فکر می‌رود تا

آن‌چه را شنیده هضم کند، او را از غرقاب

اندیشه‌اش بیرون می‌کشد و به لحظه‌ای

دیگری می‌برد. او همان‌طور که خودش

چندین نقش و حس را همزمان روی

صحنه‌سازی کرده و از یک نقش وارد

دیگری می‌شود، به تماشاگر نیز اجازه

ماندن در یک حس را نمی‌دهد و او را هم

به حرکت در میان احساساتش وامی‌دارد.

شادی امیری، مخاطب را به بروز

«این چه نمایشی است؟ این نمایش سرگشتگی ماست و آرزوهایی که هر روز با خود به گور می‌بریم. جهان پایدار

نیست و بزرگ‌ترین عشق نیز روزی ناپید ی می‌شود.» این‌ها واگویم‌های شاهزاده انفال – او فلپا هستند و تا هر زمان و

هر کجا که جنگ هست، او فلپا – انفال‌ها، هزینه آن را با پوست و گوشت و استخوان و مهم‌تر از همه با قلب خود می‌پردازند.

«سرود صد هزار او فلپای عاشق» با نور و موسیقی و واگویم‌های یک مصیبت، پرده از چهره ترسناک‌تر جنگ بر می‌دارد.



پس از چیدن چند گل-گل‌های جوانی و

زیبایی بر بادرفته‌اش – خود را در رودخانه

غرق می‌کند.

این تاوانی است که زنان برای جنگی

که مردان به راه می‌اندازند می‌دهند؛

درست است در جنگ همواره از آمار

کشته‌شدن زنان و کودکان می‌گویند و به

مردان اشاره‌ای نمی‌کنند. اما هرگز به زنان

جان سالم به‌در برده‌ای اشاره نمی‌شود که

گر چه زنده مانده‌اند. اما نه خانه‌ای دارند،

نه همسری و نه فرزندی و در جهانی رها

شده‌اند که با آنان هم‌چون کالایی رفتار

می‌شود و البته کالایی یک‌بار مصرف،

زنانی که زنده می‌مانند در نهایت او فلپایی

هستند که خود کشی تقدیر حتمی

آنان است. دردی که زنان زنده مانده و

به اسارت گرفته شده می‌کشند از رنج

مردن غیر قابل تحمل تر است. و او فلپاهای

«قطب‌الدین صادقی» در پی بیان این

رنج هستند؛ که زنده ماندن همیشه یک

امتیاز یا یک شانس نیست که در چنین

مواقعی شاید که نه، حتماً یک نفرین

در دناک است.

آوای سوزناکی شنیده می‌شود، زنی

شمع به دست از صحنه بیرون می‌رود

و دختری کر در لباس اقلپا و در میان

صد کلیسا و بران شد. این عملیات تأثیر

ویران کننده‌ای بر طبیعت کردستان

هم گذاشت و حجم فراوانی از باغات و

فضای سبز، رودخانه‌ها و چشمه‌های

کردستان را نابود کرد. در این واقعه حدود

۱/۵ میلیون کرد به ار دو گاه‌های رژیم

بعث منتقل شده و ۱۰ درصد کردهای

کردستان عراق قتل عام شدند.

چرا او فلپا و انفال با هم؟

«بزرگ‌ترین قیصرها دیگر جز

اندکی خاکستر نیستند و آن‌که به لرزه

در می‌آورد، اکنون به درد کم‌ترین کارها

می‌خورد، به درد این که سوراخی را

بدو مسدود کنند تا یاد زمستانی به

درون نوزد!» شاید شکسپیر با این

جمله در نمایش هملت قصد داشته

به تماشاگرانش با آن همه مرگی که

برای‌شان به نمایش گذاشته، تسلی

بدهد. اما برای مردگان و زنانی که چنان

سرنوشتی پیدای می‌کنند، تسلا بی وجود

دارد؟ او فلپا در نمایش هملت از این که

می‌بیند پدرش هر چند به اشتباه به دست

مردی که او را عاشقانه دوست می‌دارد،

کشته می‌شود، از این که در نهایت برادر

و هملت را نیز از دست می‌دهد، دیوانه

می‌شود، به کنار رودخانه‌ای می‌رود و

آذر فخری

نمایش: سرود صد هزار او فلپای

عاشق

نویسنده: قطب‌الدین صادقی

کارگردان: رضاموسوی

بازیگر: شادی امیری

■ ■ ■

داستان نمایش نگاهی از زاویه‌ای دیگر است به اتفاقی که برای هزاران زن و دختر جوان در واقعه‌ای به نام انفال می‌افتد. در این عملیات ۴۲۰۰ روستا و شهر کردستان عراق توسط حزب بعث در سال ۱۹۸۹-۱۹۸۸ به‌طور کامل ویران می‌شود و زنان و دختران بازمانده این روستاها، به‌عنوان برده جنسی فروخته و به یا کشورهای دوست هدیه داده می‌شوند.

اگر درباره عملیات انفال بخواهید بیشتر بدانید باید گفت این عملیات توسط نیروهای بعث عراق انجام شد و زمان بسیار کوتاهی، بیشتر مناطق و خاک کردستان مورد هجوم و نابودی قرار گرفت. در این حملات بیش از ۲۰۰ هزار کرد کشته شدند، حدود ۵ هزار روستا، سه هزار و صد مسجد و

یادداشت

نگاهی به نمایش «ملاقات» اثر فردریش دورنمات

رویای انتقام و ویرانی زیر بیرق عدالت

فائزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

نمایش «ملاقات» اثر فریدریش دورنمات، نمایشنامه‌نویس سوئیسی که در سال ۱۹۵۶ به رشته تحریر در آمده است، این روزها بر صحنه تئاتر شهر به کارگردانی پارسا پیروفر در حال اجرا است.

«ملاقات با بانوی سالخورده» نمایشنامه‌ای ترازوی-کمدی است که جامعه و مردمی را به تصویر می‌کشد که در زمانی که باید عدالت را به اجرا درمی‌آوردند، آن را نادیده گرفتند و زیر پا گذاشتند؛ و با شهادتی دروغین، زن را به سرنوشتی محکوم کردند که انتخاب وی نبود؛ تقدیر و سرنوشتی تحمیل شده که زن را فقط و فقط برای انتقام از مردمی که سبب از بین رفتن سال‌های جوانی‌اش شده بودند سرپا نگاه داشته بود.

بطور خلاصه می‌توان گفت در زمان‌های بسیار دور، گولن شهری زیبا و ثروتمند قلمداد می‌شد که به فراخور حوادث و